

# نگاه به کتاب‌های منتشر شده در حوزه توسعه‌نیافتگی ایران

● فاطمه سادات نژاد

نظریه گستردگی مفهوم توسعه و جوانب و زوایای متعدد و متکثر آن، عوامل فراوانی را هم می‌توان سد راه پدیده توسعه به شمار آورد و ذیل موانع توسعه‌یافتگی یا عوامل توسعه‌نیافتگی برشمرد. هم از این رو، طی سالیان گذشته اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری با زمینه‌های کاری متفاوت، آثار متعددی در موضوعات مختلف و البته تحت مبحث واحد توسعه‌نیافتگی یا عقب‌ماندگی روانه بازار نشر کرده‌اند. این کتاب‌ها چنانکه گفته شد طیف گسترده‌ای از موضوعات و مباحث را در بر می‌گیرد، از آثار در زمینه‌های بحث‌های جامعه‌شناختی تخصصی مرتبط با توسعه از قبیل توسعه روستایی، توسعه صنعتی، توسعه اجتماعی و... گرفته تا پژوهش‌های تاریخی در ریشه‌های موانع فکری و فلسفی توسعه سیاسی. نظرات پژوهشگرانی را که طی این سال‌ها به موضوع توسعه‌نیافتگی یا عقب‌ماندگی، علل و عوامل آن پرداخته‌اند در دو گروه عمده می‌توان دسته‌بندی کرد (که البته هریک، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی را در دل خود جای داده‌اند):

- گروه نخست آن‌هایی که موانع رسیدن به آنچه را اصطلاحاً «توسعه» نامیده می‌شود، در ریشه‌های تاریخی آن جست‌وجو می‌کنند. اینان با واکاوی تاریخ و جغرافیای ایران به دنبال ردیابی موانعی هستند که سد راه توسعه ایران شده است. به نظر می‌رسد سؤال اصلی و دغدغه ذهنی این گروه این باشد که «چه شد که غرب توانست و ما نتوانستیم.»

- گروه دوم ضمن اذعان به ریشه‌های تاریخی عقب‌ماندگی، نقطه تمرکز و تأمل خود را حول چگونگی رویارویی ایرانیان با پدیده تجدد قرار داده‌اند. در واقع اینان با پذیرش پدیده عقب‌ماندگی به دنبال پاسخ به این سؤال‌اند که «چرا در اخذ دستاوردهای تمدنی غرب ناتوان ماندیم.» دغدغه اصلی این دسته از آثار این نیست که در گذشته ما و غرب چه رخ داد، گرچه آن گذشته را هم مبنایی مهم در تحلیل حال به شمار می‌آورند، سؤال اصلی این است که در لحظه تاریخی تماس و رویارویی و پس از آن چه پیش آمد. اینان اغلب انگشت اتهام را به نحوه مواجهه با غرب نشانه رفته‌اند و درک نادرست از تجدد و مدرنیته و به تبع آن، برخورد غلط با آن را ریشه‌ی این ناکامی ارزیابی می‌کنند. در این میان گروه سومی از آثار هم هستند که به هر دو دسته عوامل فوق توجه دارند.

چنان‌که گفتیم دسته نخست پژوهشگران به ردیابی عوامل مختلفی در این زمینه، اعم از جغرافیایی، سیاسی و فکری - فرهنگی پرداخته‌اند.

گرچه در نهایت همه این عوامل را در ربط با یکدیگر و در رابطه‌های دیالکتیک، دخیل و تأثیرگذار در پدیده عقب‌ماندگی عنوان کرده‌اند. از کسانی که در این زمینه فعالیت کرده‌اند و آثارشان، به خصوص در سال‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته و به نوعی منشأ اثر یا کانون تحرک بوده می‌توان به احمد اشرف، محمد علی همایون کاتوزیان، سید جواد طباطبایی و با اندکی تسامح حسین بشیریه اشاره کرد. «موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران» دکتر احمد اشرف از جمله کتاب‌های ارزشمند در این زمینه است،



ایران و غرب داشته‌اند، تقی آزاد ارمکی، علی میرسپاسی و موسی غنی‌نژاد را می‌توان نام برد. دکتر تقی آزاد ارمکی در کتاب‌های «مدرنیته ایرانی: روشنفکری و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران»، «اندیشه نوسازی در ایران» و «علم و مدرنیته ایرانی» نحوه رویارویی ایرانیان با تمدن غربی را نقد میکند. علی میرسپاسی هم در کتاب‌های «دموکراسی یا حقیقت: رساله‌ای جامعه‌شناختی در باب روشنفکری ایرانی» و «مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران» رویکردی مشابه در پیش گرفته و از دریچه نگاه خود به نقد

برخی مقالات و مباحث دکتر محمد علی همایون کاتوزیان در کتاب‌های «تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران»، «دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی»، «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»، «نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران»، «چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد»، «استبداد، دموکراسی و نهضت ملی» و بالاخره «مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران»، هم، چنین نگاهی را پیگیری می‌کنند. ضمن اینکه کاتوزیان در اغلب آثار فوق‌الذکر چنان که از عنوان کتاب‌ها پیداست، مسائل و مشکلات مبتلابه اقتصاد و سیاست ایران را در فاصله مشروطه تا انقلاب سال ۵۷، بررسی کرده و به‌طور موردی و با تکیه بر فاکت‌های مشخص تاریخی، عوامل سد راه تحقق نقشه‌های ترقی‌خواهانه و تجددطلبانه سیاستمداران و روشنفکران ایرانی را برشمرده و از منظر نظریه کلی‌اش در این زمینه تحلیل و بررسی کرده است. از دیگر کسانی که به ردیابی ریشه‌های توسعه‌نیافتگی در پیشینه و گذشته تاریخی و فرهنگی ایران، این بار با تکیه بر عامل اندیشه و با تأمل در تاریخ فکر، پرداخته‌اند، دکتر سید جواد طباطبایی است. سلسله کتاب‌هایی که طباطبایی در زمینه تاریخ تفکر در ایران به رشته تحریر در آورده مشتمل بر «زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران»، «خواجه نظام الملک طوسی: گفتار در تداوم فرهنگی ایران» و «ابن خلدون و علوم اجتماعی: وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی»، از این گروه‌اند. طباطبایی در دسته دیگر کتاب‌هایش تحت عنوان کلی «تأملی درباره ایران» که تاکنون سه جلد و با عناوین فرعی «دیبچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران»، «نظریه حکومت قانون در ایران: مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی» و «نظریه حکومت قانون در ایران: مبانی نظری مشروطه خواهی» روانه بازار نشر شده، چالش‌های پیش‌روی ایرانیان را در مواجهه با تمدن نوین غربی و با تکیه بر پیشینه نظام فکری و در تحلیل دوتایی سنت - تجدد بررسی کرده است. طباطبایی در این دسته از آثارش به دسته دوم از تحلیلگران و اندیشمندان چرایی توسعه‌نیافتگی ایران نزدیک می‌شود، البته با تکیه بر عامل تاریخی و تأمل در ریشه‌های عوامل بحران‌ساز در مواجهه ایران و تجدد. در ادامه با تفصیل بیشتری به کتاب‌های طباطبایی خواهیم پرداخت. از مهم‌ترین پژوهشگران گروه دوم که لبه تیز انتقادات خود را در ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی ایرانیان متوجه روشنفکران و جریان روشنفکری ایران و نحوه مواجهه

عملکرد جریان روشنفکری و پیشگامان و طلایه داران رویارویی و تماس با غرب می‌پردازد. غنی‌نژاد نیز در کتاب‌های «تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر» و «آزادی خواهی نافرجام: نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر» چنین نگاهی را پی می‌گیرد. کتاب «ما راه دشوار تجدد» رضا داوری اردکانی را هم می‌توان با ملاحظاتی، در زمره این دسته از آثار قرار داد. در ادامه و قبل از آن که به ادامه بحث پیرامون کتاب‌های چاپ شده در موضوع موانع توسعه‌یافتگی، بپردازیم، کتاب‌هایی را که در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ در این زمینه روانه بازار نشر گردیدند، بدون توجه به دسته‌بندی فوق معرفی می‌کنیم. با توجه به این که رابطه توسعه‌نیافتگی با بسیاری از رخداد‌های تاریخی ایران طی تقریباً دو قرن گذشته، رابطه کل و جزء است، بنابراین برخی کتاب‌هایی را که نه تحت موضوع و مبحث کلی توسعه‌نیافتگی، بلکه در زمینه‌های جزئی‌تر ناکامی جریان‌های تجددطلب در ایران، انتشار یافته‌اند، نیز، در این فهرست آورده‌ایم. از جدیدترین کتاب‌هایی که در این زمینه، طی ماه‌های اخیر روانه بازار نشر گردیده، دو اثر از دکتر حسین آبدیان است. «بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران» و «مفاهیم قدیم و اندیشه جدید: (درآمدی نظری بر مشروطه ایران)» دو کتابی هستند که این روزها از طرف انتشارات کویر به بازار عرضه گردیده‌اند. کتاب دیگری که از طرف همین ناشر، در زمینه و دوره مورد اشاره به طبع رسیده، «مشروطه ناکام: تأملی در رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدد» نام دارد که توسط دکتر مهدی رهبری تألیف شده است. «تجدد ناتمام روشنفکران ایران» تألیف غلامرضا گودرزی هم کتابی است که انتشارات اختران در سال ۱۳۸۶ برای نخستین بار منتشر کرده است. به این جمع باید کتاب ارزنده دکتر جواد طباطبایی: «نظریه حکومت قانون در ایران: مبانی نظری مشروطه خواهی» را هم، که قبلاً به آن اشاره کردیم، اضافه کنیم. بخش قابل توجهی از تلاش ناشران در این دو سال به تجدید چاپ کتاب‌های سال‌های گذشته اختصاص یافته است. که در بالا و در ضمن دسته‌بندی فوق اغلب آن‌ها را نام بردیم. طی سال‌های اخیر گروهی از کتاب‌ها به بازار نشر راه یافتند که وجه نوآوری و ارائه دیدگاه‌های جدید در آن‌ها کم‌رنگ‌تر بوده و کمتر مورد توجه محافل آکادمیک و دانشگاهی قرار گرفتند اما در مقابل از اقبال عمومی گسترده‌ای برخوردار بوده، بارها و بارها تجدید چاپ شده‌اند. از این جمله می‌توان به «ما چگونه ما شدیم» دکتر صادق زیباکلام و «چرا ایران عقب ماند و غرب



می‌توان اصطلاحاً نوسازی نامید، می‌تواند محل تأمل و توجه باشد. طباطبایی در این کتاب هم در ادامه کارهای قبلی‌اش، تحولات در حوزه اندیشه و چالش‌های فکری و نظری برخورد ایرانیان با تجدد را، با تکیه طرح مفهومی کلی ای که روح مشترک همه مجلدات این مجموعه است، پیگیری می‌کند. در فصل نخست کتاب با عنوان «بحران خودکامگی و بسط آگاهی نوآیین»، نخستین لرزه‌ها در باور خودکامگی و نخستین گام‌های آگاهی از الزامات دوران جدید یا تحمیل این الزامات، خود، را به عمل و کردار ایرانی



از زمان محمد شاه و جنگ هرات پی گرفته، شکل‌گیری «افکار عمومی» و «فضای انتقادی» در دوره قاجار را با تکیه بر رساله «دستورالاعقاب» میرزا مهدی خان نواب تهرانی بررسی می‌کند. سپس به نقش رساله‌های میرزا ابراهیم بدایع‌نگار و رساله‌ای که فریدون آدمیت و هما ناطق، به احتمال، آن را از آن میرزا محمد حسین خان فراهانی می‌دانند، در شکل‌گیری فضای انتقادی در کشور می‌پردازد. و «سست شدن ارکان اقتدار شاه»، ناامیدی و ناتوانی او و «انحطاط عمومی ایران» را به استناد گزارش‌های میرزا محمد حسن خان اعتمادالسلطنه و نقش آن در ایجاد نوعی آگاهی و فضای عمومی با توجه تحركات جریان روشنفکری ایرانی مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده بر این اعتقاد است که در نتیجه همه آنچه در فوق به اختصار به آن اشاره کردیم «وجهی از مناسبات قدرت از درون دربار به بیرون آن انتقال پیدا کرد و در برابر دید کسانی قرار گرفت که پیش از آن دریافتی از آن مناسبات نداشتند.» در فصل دوم، تحت عنوان «بحران آگاهی و پدیدار شدن مفاهیم نوآیین»، بی‌اعتنایی به سنت در تکوین روشنفکری ایرانی، «دیالکتیک بحران و آگاهی از آن» - بحثی که در آثار قبلی‌اش هم به تفصیل بدان پرداخته بود - را کانون توجه خود قرار می‌دهد و بر آن است که «منطق دگرگونی‌های تاریخ روشنفکری در ایران را جز با توجه به دستاوردهای تاریخ سنت قدمایی و، اگر بتوان گفت، بازتولید و جوهی از سنت قدمایی نمی‌توان توضیح داد.» سپس این سردرگمی و ناتوانی روشنفکری ایران در نقد و تحلیل پایه‌های نظری سنت و توجه بدان را، با تکیه بر عقلانیت جدید، با توجه به آراء شیخ ابراهیم زنجانی پی می‌گیرد و طرح مفاهیم نوین در خرنامه اعتمادالسلطنه و تلاش نویسندگان ایرانی در توضیح «مفاهیم نوآیین» «در درون نظام سنت قدمایی» را، با تکیه بر آن، شرح می‌دهد. در فصل سوم با عنوان «نظریه اصلاح دینی»، طرح و نخستین تجربه‌های اصلاح دینی را با توجه به افکار میرزا فتحعلی آخوندزاده و شیخ هادی نجم‌آبادی و تأثیر شیخ بر علما در آستانه انقلاب مشروطیت از جمله حاج اسدالله ممقانی و رساله «مسلك الامام فی سلامه الاسلام» او، بررسی می‌کند. فصل چهارم کتاب تحت عنوان «نخستین رساله در اصلاح نظام حقوقی» را به میرزا یوسف خان مستشارالدوله و رساله «یک کلمه» او اختصاص داده است و معتقد است اهمیت این رساله بیش از جنبه سیاسی آن، به سبب وجه حقوقی‌اش می‌باشد. و آن را «مبنای نظری تبدیل شرع به نظام حقوق عرف» پس از



پیش رفت» دکتر کاظم علمداری اشاره کرد که در دو سال گذشته به ترتیب برای مرتبه پانزدهم و شانزدهم تجدید چاپ شدند. «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» علی رضا قلی هم به چاپ بیست و هشتم رسید.

در ادامه چند و چون و وضعیت نشر کتاب‌های چاپ شده در موضوع مورد بحث را از لحاظ کمی مرور می‌کنیم. تقریباً تمامی کتاب‌های فوق الذکر، به جز یکی دو نمونه استثناء، توسط ناشرین خصوصی به طبع رسیده‌اند. ناشرینی از قبیل نشر مرکز، نشر نی، انتشارات کویر، اختران، انتشارات ستوده

و گام نو عمده کتاب‌های فوق‌الذکر را روانه بازار کتاب کرده‌اند. که البته با توجه به این که اسامی همه کتاب‌هایی که در موضوع مورد بحث در سال‌های گذشته انتشار یافتند، در بالا نیامده به جمع ناشران مذکور باید برخی ناشران دیگر فعال در این زمینه، از قبیل نگاه معاصر، طرح نو، قومس و نشر توسعه را هم اضافه کنیم. دیگر آنکه شمارگان این کتاب‌ها متفاوت و گهگاه با اختلاف قابل توجه است. برخی با شمارگان ۱۵۰۰ روانه بازار نشر گردیدند و برخی در تیراژ ۵۰۰۰ انتشار یافتند. برخی در همان چاپ اول متوقف ماندند و بعضی تجدید چاپ‌های مکرر را تجربه کردند. اما اغلب کتاب‌های نام برده در فوق بیش از یک بار چاپ شدند، اگرچه با شمارگان پایین. نکته دیگری که درباره این کتاب‌ها محل توجه و تأمل است این است که بیشتر این آثار حتی آن‌ها که به ریشه‌یابی علل تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران پرداخته‌اند، توسط پژوهشگرانی با تخصص‌هایی، اغلب، در رشته‌های تحصیلی علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی تألیف شده‌اند. گرچه با توجه به طرح گسترده مباحث بین‌رشته‌ای، شاید این قسم خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌ها چندان هم محل اعتنا نباشد، اما به هر حال پژوهشگران و اندیشمندان با رشته تخصصی تاریخ، سهم اندکی از این پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

#### نظریه حکومت قانون در ایران: مبانی نظری مشروطه خواهی

کتاب «نظریه حکومت قانون در ایران» قسمت دوم از جلد دوم مجموعه آثار دکتر جواد طباطبایی تحت نام کلی «تأملی درباره ایران» را تشکیل می‌دهد. کتاب، آخرین مجلد از مجموعه فوق است که تاکنون به بازار نشر راه یافته. جلد‌های پیشین این مجموعه با عناوین «دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» و «نظریه حکومت قانون: مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی» پیش از این منتشر شده است. چاپ اول کتاب در سال ۱۳۸۶ و به مانند بسیاری از کارهای متأخر دکتر طباطبایی توسط انتشارات ستوده تبریز انجام گرفت.

«نظریه حکومت قانون در ایران» در نه فصل، یک مقدمه، یک فصل پایانی و مجموعاً در ۲۲۹ صفحه سامان یافته است. کتاب اگر چه بر بازه زمانی محدود و مشخصی از تاریخ ایران متمرکز شده، اما اولاً از این جهت که، چنانکه پیشتر گفتیم، بخشی از طرحی جامع‌تر درباره تاریخ اندیشه و پایه‌های نظری جریان تجددخواهی ایرانیان را تشکیل می‌دهد و ثانیاً به لحاظ اهمیتی که مقطع زمانی مورد بحث کتاب در سرشت تحولات بعدی جامعه ایرانی دارد، در فهم و درک چرایی دشواری‌ها و ناکامی‌های ایرانیان در آنچه

طی سالیان گذشته اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری با زمینه‌های کاری متفاوت، آثار متعددی در موضوعات مختلف و البته تحت مبحث واحد توسعه‌نیافتگی یا عقب‌ماندگی روانه بازار نشر کرده‌اند

## کتاب‌ها به توسعه نیافتگی

مشروطه عملاً آغاز شد و ثانیاً و مهم‌تر از آن، این جدال «از میدان رویارویی هواداران اندیشه تجدد و طرفداران نظام سنت قدمایی به قلمروی انتقال پیدا کرد که دو گروه از نظام سنت قدمایی در آن صف‌آرایی کرده بودند». نویسنده در ادامه با اشاره مجدد به کمبودها و نقصان‌ها در تاریخ‌نویسی ایرانی و تاریخ اندیشه به‌طور اخص، تاریخ مشروطه را به‌مثابه فصلی مهم در تاریخ اندیشه ایران و نه تاریخ وقایع یا تاریخ روشنفکری ارزیابی می‌کند.<sup>۵</sup> نویسنده معتقد است «با پدیدار شدن مشروطه‌خواهی، به‌مثابه نظریه حکومت قانون، در افق دگرگونی‌های تاریخی ایران، دوره‌ای در تاریخ روشنفکری ایران به پایان رسید، اما دوره‌ای نو در تاریخ اندیشه در ایران آغاز شد». «که مهم‌ترین ویژگی آن طرح نظریه‌ای درباره سنت در تاریخ ایران و تبیین نظام سنت قدمایی است»<sup>۶</sup> این فصل را می‌توان اگرچه مهم‌ترین، دست‌کم یکی از مهم‌ترین فصول کتاب به شمار آورد. تحلیل‌ها و استدلال‌های مؤلف در فصل حاضر بسیاری از زوایای تاریک فصول قبل را روشن می‌سازد. نویسنده در این فصل در پرتو نظریه‌ای که در باب شکل‌گیری تاریخ اندیشه مطرح می‌کند، گویی به بازخوانی تاریخ ایران از تحولات دارالسلطنه تا زمان مورد بحث کتاب یعنی مقارن پیروزی مشروطه می‌پردازد. دکتر طباطبایی در ادامه بحث‌هایش درباره مواجهه ایرانیان و تجدد و چگونگی این مواجهه، شرایط، نتایج و عواقب آن، در کتاب حاضر به انقلاب مشروطه می‌رسد. کتاب در مجموع اثری منسجم و روان است و زاویه نگاه متفاوت نویسنده به بسیاری از رخدادها و متون از آن اثری درخور و قابل تأمل می‌سازد.

یکی از نقاط قوت کتاب، توجه به رساله‌های متعدد و آراء اشخاص مختلفی است، که مورد بررسی و تحلیل نویسنده قرار گرفته‌اند.

**مفاهیم قدیم و اندیشه جدید (درآمدی نظری بر مشروطه ایران)**  
کتاب «مفاهیم قدیم و اندیشه جدید» جدیدترین اثر دکتر حسین آبدیان است که در سال ۱۳۸۸ در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه از طرف انتشارات کویر روانه بازار شده است. کتاب مشتمل است بر یک پیشگفتار، یک فصل مقدماتی، دوازده فصل اصلی و گفتاری در نتیجه‌گیری و در ۴۰۰ صفحه در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

این کتاب چنان‌که از نامش پیداست تأملی است بر وقایع و رخدادها فکری منتهی به انقلاب مشروطه ایران و جریان‌های پس از آن، البته از خاستگاه نظری و با تکیه بر تاریخ اندیشه. این کتاب را چنان‌که خود

پیروزی مشروطه و به هنگام تدوین نظام حقوقی جدید در ایران می‌داند. فصل پنجم کتاب «تأملی در دیدگاه‌های نو در اندیشه سیاسی» نامیده شده، با تأکید بر بحث‌های پیشین نویسنده در باب زوال اندیشه سیاسی در ایران و انسداد باب تفکر عقلانی، به خلاءها در قلمرو اندیشه سیاسی در جریان مشروطیت ایران می‌پردازد. برخی رسالات و نوشته‌ها با صبغه یا بار سیاسی و حقوقی شامل سفرنامه میرزا حسین فراهانی، «رساله در وجوب سلطنت» میرزا محمد نایینی، سیاحتنامه ابراهیم بیگ زین العابدین مراغه‌ای، رساله مجدیه میرزا محمد خان مجدالملک سینکی، «رساله در حقوق اداری ایران» به قلم نویسنده‌ای ناشناس، کتاب احمد عبدالرحیم طالبوف، مکتوبات کمال‌الدوله میرزا فتحعلی آخوندزاده و در نهایت رساله «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» محمدعلی فروغی را بررسی می‌کند. فصل ششم با عنوان «دیدگاه‌های نو در اندیشه اقتصادی»، به طرح

دیدگاه‌های اقتصادی زین العابدین مراغه‌ای، میرزا آقا خان کرمانی، طالبوف تبریزی و بررسی رساله‌های «کتابچه قانون» یا رساله قانون قزوینی محمدشفیع قزوینی، «فواید راه‌آهن» میرزامحمد کاشف‌السلطنه و راه نجات مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله می‌پردازد. فصل‌های هفتم، هشتم و نهم را با عناوین «نظریه مشروطه‌خواهی اهل دیانت»، «نظریه مشروطه‌خواهی اهل دیانت» و «میرزای نائینی و نظریه مشروطیت ایران» به بررسی و تحلیل کنش و واکنش‌های طبقات دینی در جریان انقلاب مشروطه پرداخته، با توجه به وجوهی از بحران اجتماعی و سیاسی که این تحولات

در متن آن جریان داشت، رساله‌های مشروطه‌خواهان و مشروطه‌طلبان در بحبوحه جدال مشروطه و مشروطه را در کانون بحث خود قرار می‌دهد. فصل پایانی کتاب تحت عنوان «خاتمه» که طولانی‌ترین فصل کتاب هم هست، به تحولات پس از پیروزی مشروطه تاروی کار آمدن مجلس دوم می‌پردازد و اهمیت آن‌ها را از نظر تاریخ اندیشه یادآوری می‌کند. نویسنده در ابتدای این فصل فقدان تاریخ‌نویسی جدید ایرانی و تأثیر آن در فهم نادرست از مشروطه و نقش ناکارآمد و منحرف‌کننده تاریخ‌نویسی مارکسیستی را بررسی کرده، آراء برخی صاحب نظران و نویسندگان از جمله ماشاءالله آجودانی در کتاب «مشروطه ایرانی و پیش زمینه‌های ولایت فقیه» را طرح و نقد می‌کند. جوهر بحث مؤلف در فصل حاضر در این نکته خلاصه می‌شود که اولاً جدال جدید و قدیم که پیش از آن امکان تحقق نداشت، با پیروزی انقلاب



«بازسازی محتوای نظام قدیم اندیشه در قالب مشروطه»، «تحریر محل نزاع در گفتار دینی مشروطه»، «شیخ اسماعیل محلاتی و تکوین اندیشه سیاسی مشروطه»، «تحول کهنه به نو در اندیشه سیاسی نائینی»، «چالش‌های مراجع و روشنفکران مشروطه‌خواه»، «مذهب و سیاست در اندیشه شیخ حسین اردبیلی»، «مشروطه در اندیشه شیخ حسین یزدی»، و بالاخره «وجود و ماهیت غرب از دیدگاه حاجی آقا شیرازی». عناوین سرفصل‌های فوق مباحثی را که نویسنده در کتاب طرح و بحث کرده، آشکار می‌دارد. نویسنده در هر فصل با تکیه بر آثار و متون موجود به طرح دیدگاه‌ها و آراء شخصیت مورد بحث در ارتباط و در رویارویی با اندیشه‌های نوین می‌پردازد و نسبت آن‌ها با مشروطه و گفتمان جدید در حال شکل‌گیری یا ورود به جامعه ایران و تلقی آن‌ها از آن را بررسی می‌کند. آنچه که حلقه محوری بحث نویسنده و نتیجه‌گیری‌هایش در تمام فصول کتاب را تشکیل می‌دهد، عدم طرح پرسش در ماهیت مشروطه از سوی روشنفکران، بی‌توجهی به الزامات تمدن نوین غرب و بنیان‌های فکری و نظری آن، تجزیه فرهنگ و تمدن غرب و برگرفتن برخی از آن اجزا مطابق فهم و درک خود و به کنار نهادن و یا اصلاً ندیدن سایر اجزاء، عدم تلقی صحیح از سنت، امتناع گفت‌وگو میان سنن بومی و عقل جدید است. در تحلیل و نتیجه‌گیری بسیاری فصول نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که علی‌رغم همه موانع - فهم نادرست از غرب، ادراک ناکافی نسبت به سنت، طرح سؤال از خارج از حوزه اندیشه سنتی و به شیوه ناصحیح و... - حرکت‌هایی در جهت به چالش کشیدن سنت و پرسش از آن آغاز شده، مباحثی نوین مطرح گشته بود. اما این حرکت‌ها در همان نخستین قدم‌ها متوقف ماند و هرگز پیگیری نشد. و اینکه شاید اگر این حرکت‌ها ادامه می‌یافت، می‌توانست در درازمدت بنیان نظری استواری برای مشروطه فراهم آورد. امری که هیچگاه محقق نگشت. با این همه بر آن است که «نمی‌توان مشروطه ایران را دست‌کم گرفت و در اهمیت و تقدیر تاریخی آن در سرنوشت ایران زمین تردید نمود. مشروطیت مهم‌ترین حادثه تاریخی ایران در ابتدای قرن بیستم بود، از آن حیث که گفتار جدیدی را در عرصه کشاکش‌های فکری ایران به ارمغان آورد».<sup>۱۱</sup>

کتاب «مفاهیم قدیم و اندیشه جدید» با توجه به شیوه‌ای که در تحلیل مطالب در پیش گرفته و تمرکزی که بر یکی از عناصر مهم گفتمان سنتی، یعنی گفتمان دینی دارد، اثری ارزنده و جالب توجه در مجموعه آثار منتشر شده حول موضوع مشروطه و حتی تجدد است و توجه و دقت نظر منتقدین



مؤلف هم در مقدمه کتاب بدان اشاره می‌کند، باید به دنبال و در تداوم اثر دیگر نویسنده که هم‌زمان با کتاب حاضر به بازار نشر راه یافته، یعنی «بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران» مورد مطالعه و مذاقه قرار داد. در کتاب اخیر که در واقع جزء مقدم در مجموعه دوجلدی حاضر است، «چالش عملی غرب با ایران و نتایج بلافصل آن مورد توجه واقع گردید».<sup>۱۲</sup>

«حیرت‌زدگی ایرانیانی که به غرب مسافرت می‌کردند در این راستا مورد بحث واقع شد»<sup>۱۳</sup> و به این نکته پرداخته شد که «تلاش برخی ایرانیانی که روشنفکر نامیده می‌شوند... تلاشی بود بی‌حاصل» و در جهت آشتی ظاهر شریعت با ظاهر تمدن غرب.<sup>۱۴</sup> این کتاب را می‌توان به‌مثابه تکمله‌ای بر بحث پیش گفته در نظر گرفت که البته چارچوب و فضای تحلیل نویسنده این بار چیزی است که خود «گفتار دینی مشروطه» می‌نامد. نقطه ثقل و کانون تحلیل‌هایش را هم چگونگی انتقال آگاهی از اندیشه‌های جدید با بهره‌گیری از مفاهیم قدیم تشکیل می‌دهد. نویسنده مشروطه را متشکل یا متأثر از گفتمان‌های مختلفی می‌داند که در این کتاب چنانکه گفتیم بر گفتمان دینی مشروطه تأکید می‌کند. مؤلف در سراسر کتاب به دنبال پاسخ به این پرسش است که فهم اندیشه‌های نوین در نظام فکری سنتی ایران چگونه محقق گردید. در جست‌وجوی جواب این سؤال چنان‌که خود در تمهیدات نظری، بدان اشاره دارد، به تحلیل و نقد گفتمان‌های حاضر در جامعه ایران، در دوره تاریخی مورد بحث، با تأکید بر گفتمان دینی می‌پردازد. در فصل اول تحت عنوان «حوزه‌های مختلف فکری در دوره نخست قاجار»، جریان‌های مختلف دینی ایران در دوره قاجار را برشمرده و وضعیت، توان رقابت و اثرگذاری هر یک در دوره مورد بحث مرور را می‌کند. فصول باقی‌مانده کتاب، هر یک، را به اندیشه‌های یک یا چند تن از روحانیون و شخصیت‌های متعلق به طبقات مذهبی که هر کدام به نوعی، موافق یا مخالف، در جریان مشروطه ایفای نقش کرده‌اند، اختصاص داده است. به عبارتی، توجه و نگاه نویسنده در تحلیل گفتمان دینی هم بر گفتمان مرجع این گفتمان، متمرکز شده است. که این رویکرد با توجه به تأکید و توجه مؤلف به بحث «نظر» و «نسبت نظر و عمل در مشروطه ایران» قابل درک است. عناوین فصل‌های باقی‌مانده کتاب عبارتند از: «اندیشه اتحاد اسلام و موقعیت آن در برابر غیر» با تأکید بر آراء شیخ الرئیس قاجار و دیدگاه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی و سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، «شیخ فضل‌الله نوری و امتناع گفت‌وگو با اندیشه‌های جدید»، «تداوم سنت قدمايي اندیشه در دوره مشروطه»،

نمی‌توان مشروطه ایران را دست‌کم گرفت و در اهمیت و تقدیر تاریخی آن در سرنوشت ایران زمین تردید نمود. مشروطیت مهم‌ترین حادثه تاریخی ایران در ابتدای قرن بیستم بود

## کتاب‌ها توسعه‌نیافتگی



به چاپ چهارم (با تیراژ ۱۱۰۰ نسخه) رسید. کتاب «تضاد دولت و ملت» در یک پیشگفتار، یک مقدمه و یازده فصل و در مجموع ۴۱۲ صفحه در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. کتاب چنانکه گفته شد مجموعه‌ای از مقالات نویسنده در سال‌های مختلف است و هریک از این مقالات یکی از فصول یازده گانه کتاب را به خود اختصاص داده است.

عامل وحدت‌بخش و حلقه ارتباطی مقالات کتاب، نظریه دکتر کاتوزیان درباره استمرار حکومت خودکامه در ایران است که اصطلاحاً آن را استبداد ایرانی می‌نامد. روح نظریه کم و بیش در تمام مقالات کتاب جاری و ساری است. در فصل نخست تحت عنوان «ویژگی‌های علمی نظریه حکومت خودکامه» نویسنده به اهمیت تدوین نظریه و چارچوب تحلیلی در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی می‌پردازد و ضرورت پرداختن نظریات جدید و نوین در این حوزه را، با تأکید بر تحولات اجتماعی و سیاسی تاریخ ایران، تبیین می‌کند. فصل‌های دوم تا چهارم بیشتر صبغه نظری دارد و به معرفی و تشریح نظریه مؤلف در تحلیل تاریخ و اجتماع ایران، اختصاص یافته است. «به سوی نظریه عمومی انقلاب‌های ایرانی»، «فره ایزدی و حق الهی پادشاهان»، «گونه‌های لیبرالیسم اروپایی و مفاهیم نو آزادی در ایران» عناوین مقالاتی هستند که فصول دوم، سوم و چهارم کتاب را تشکیل می‌دهند. چنان‌که گفته شد نویسنده در این سه فصل رؤس کلی و چارچوب‌های اصلی نظریه خود را تبیین می‌کند و آن را شرح می‌دهد: کاتوزیان با تکیه بر اصل تداوم تاریخی فرضیه بازتولید استبداد در دوره‌های متناوب را مطرح می‌کند. او ضمن اذعان به نقش عوامل جغرافیایی یا اقلیمی در شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی، بر این اعتقاد است که تعیین «علت اولیه» شکل‌بندی‌های اجتماع (در این جا مسأله آب) در جنب بررسی منطق عام حاکم بر تحولات جوامع در طول تاریخ، بدون توجه به چنین علت اولیه‌ای، از اهمیت ثانوی برخوردار است. کاتوزیان جامعه ایران را جامعه «کلنگی» و «کوتاه‌مدت» دانسته و «عدم پیوستگی و استمرار» را ویژگی اساسی آن توصیف می‌کند. او از این زاویه و با این نگاه به کشف قواعد عام حاکم بر حرکت‌های جامعه در این بازه‌های ناپیوسته می‌پردازد. این عدم استمرار که خود زاییده و مولود عوامل دیگری از قبیل فقدان مالکیت



خصوصی، عدم شکل‌گیری طبقه‌ای از اعیان آریستوکرات صاحب ثروت، فقدان شبکه نهادهای اجتماعی و... بود، در دل خود به بازتولید استبداد پرداخت. ویژگی رفتاری مشخص جامعه ایرانی در این تناوب‌ها بازتولید و تکرار پدیده استبداد بوده است. به نظر می‌رسد این استبداد و آن فقدان‌ها در رابطه‌ای دیالکتیک، یکدیگر را در طول تاریخ



و صاحب نظران در این حوزه را می‌طلبند. تمرکز کتاب بر آنچه که نویسنده آن را گفتمان دینی مشروطه می‌داند، ارائه دیدگاه‌های مختلف مرجع‌های این گفتمان در کنار هم که به خواننده امکان مقایسه و تحلیل می‌دهد، از نقاط قوت کتاب به شمار می‌آید. برخی مباحث و مفاهیم مطرح‌شده در کتاب از قبیل شکاف عمل و نظر، بی‌توجهی به

حکمت عملی و اندیشه سیاسی، انسداد تاریخی باب تفکر فلسفی و وقوع بحران در آگاهی، مقولاتی هستند که پاره‌ای از آراء جواد طباطبایی را به ذهن متبادر می‌دارند. که این امر را می‌توان نشان مبارکی از پیگیری اندیشه‌های طرح‌شده توسط اندیشمندان ایرانی از سوی دیگر صاحب نظران فعال در این حوزه‌ها به حساب آورد. نویسنده همه جا بر دو مفهوم گفتار و پرسش تأکید می‌ورزد. از نکات قابل طرح در ارتباط با کتاب حاضر این است که مؤلف در سراسر کتاب واژه «گفتار» را در ترجمه واژه فرنگی «discourse» و در برابر آن می‌نهد و از کاربرد واژه متداول تر گفتمان امتناع می‌ورزد. اگرچه در ترجمه‌ها و معادل‌های متعددی که برای واژه «discourse» در زبان فارسی آورده‌اند، یکی هم همین کلمه «گفتار» است، اما ای کاش مؤلف دلایل خاص خود در به‌کارگیری این «واژه» را - که احتمالاً آن را در تحلیل و بازخوانی دوره تاریخی مورد بحث در نسبت با کلمه گفتمان کاراتر و راهگشایتر می‌سازد - و گهگاه خواننده را دچار نوعی سردرگمی و جا ماندن از متن هم می‌کند، بر او (خواننده) آشکار و روشن می‌داشت. نکته دیگر آن که از پاره‌ای توضیحات مؤلف در فصل نظری این طور استنباط می‌شود که بر آن است تا با رویکردی گفتمانی به تحلیل آراء و متون پردازد، چنان‌که خود می‌گوید با تأکید بر متن، سبک نوشتاری، شبکه مفاهیم، کلام، نشانه‌ها و حتی نوع بیان را نقطه عزمی در تحلیل گفتمان‌ها قرار دهد.<sup>۱۲</sup> امری که دست کم در زمینه سبک نوشتاری و نوع بیان با اطمینان خاطر می‌توان گفت چندان در تحقق آن موفق نبوده است. کتاب در مجموع چنان‌که گفتیم، اثری نو و البته بحث‌برانگیز است.

### تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران

کتاب «تضاد دولت و ملت» مجموعه‌ای از مقالاتی است که توسط دکتر محمد علی همایون کاتوزیان در دوره زمانی‌ای بیست و چند ساله - به گفته خود نویسنده - درباره منطق یا جامعه‌شناسی تحولات اجتماعی ایران نگارش یافته‌اند. همه مقالات کتاب حاضر توسط علیرضا طیب ترجمه شده و کتاب به اهتمام نشر نی روانه بازار نشر گردیده است. چاپ اول کتاب مربوط به سال ۱۳۸۰ است و کتاب تا سال ۱۳۸۵





تاریخ معاصر ایران می‌پردازد و آن‌ها را در پرتو نظریه حکومت خودکامه تحلیل و بازبینی می‌کند. عناوین مقالات این فصول عبارتند از: «قیام شیخ محمد خیابانی»، «مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس» و «تاریخ مالی ایران و سرشت دولت و جامعه».

صرف نظر از انتقاداتی که ممکن است به نظریه دکتر کاتوزیان وارد باشد

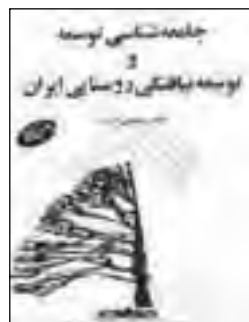
– که پرداختن به آن‌ها در صلاحیت راقم این سطور و در دستور کار بحث حاضر نیست – عمده‌ترین اشکالی که می‌توان به کتاب وارد کرد، تکرار و بازگویی پاره‌ای تحلیل‌ها و حتی مثال‌ها در فصول مختلف است. که از انسجام و یکدستی کتاب می‌کاهد. این مسأله در فصول آغازین که نویسنده چارچوب نظری‌اش را شرح داده بیشتر به چشم می‌خورد. البته ریشه این ایراد بیشتر برمی‌گردد به ساختار کتاب که در قالب مجموعه‌ای از مقالات است و طبعاً ممکن است برخی مطالب در بعضی مقاله‌های نویسنده که در زمان‌های گوناگون نوشته شده، تکرار شده باشد. خود نویسنده هم در مقدمه کتاب به این تکرار مطالب در مقالاتش اشاره می‌کند و دلایلی برای این امر ارائه می‌دهد. کتاب در مجموع و از نظر اینکه رئوس کلی نظریه دکتر کاتوزیان را که در طی سال‌های گذشته در قالب مقالاتش طرح و پیگیری کرده، یکجا و در کنار هم در اختیار پژوهشگران و خوانندگان پیگیر قرار می‌دهد، کاری ارزشمند و درخور توجه است. از نکات بسیار بااهمیت درباره کتاب ترجمه روان و گویای مقالات کتاب است که در انتقال مفاهیم و نظریات به خواننده فارسی زبان نقش مهمی ایفا می‌کند.

### موانع توسعه سیاسی در ایران

کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» چنانکه از نامش پیداست، عواملی را که سد راه توسعه سیاسی در ایران بوده‌اند، بررسی می‌کند. این کتاب توسط دکتر حسین بشیریه تألیف شده و در ۱۷۳ صفحه از طرف انتشارات گام نورانه بازار گردیده است. چاپ اول کتاب مربوط به سال ۱۳۸۰ است و تا سال ۱۳۸۴ چهار مرتبه دیگر تجدید چاپ شد. دکتر بشیریه در این کتاب موانع تاریخی و ساختاری توسعه سیاسی در ایران را مورد توجه قرار داده، نقطه تمرکز بحثش از حیث تاریخی «دولت مطلقه پهلوی» است. و منظور



و تعریف نویسنده از توسعه سیاسی عبارت است از «گسترش فرصت‌های مشارکت و رقابت سیاسی دست کم در بین گروه‌های برگزیده». نویسنده در مقدمه‌ای بیست و سه صفحه‌ای، به زمینه‌های نظری بحث پرداخته، تئوری‌ها و الگوهایی را که به فرایند توسعه پرداخته‌اند طرح و نقد می‌کند. در نهایت ضمن ناکارآمد ارزیابی کردن



تکرار کردند و هرگونه تداوم و انباشت برآمده از آن را مانع گردیدند. کاتوزیان قدرت سیاسی برآمده و حاکم بر این مناسبات را خودکامه و استبدادی می‌نامد که بزرگ‌ترین ویژگی و مشخصه آن فقدان شبکه‌ای از ساز و کارها و موانع قانونی است. قدرت و اقتدار در این فراگرد پایه در حقوق و قانون نداشته و از هیچ نوع رفتارنامه یا سنت بلندمدتی

که بر روابط میان دولت و جامعه و یا بر مناسبات درون خود جامعه حاکم باشد،<sup>۱۳</sup> تبعیت نمی‌کند. طبقات اجتماعی ماهوی خودمختار، دولت متکی به آن‌ها و قوانین و سنت‌های غیر قابل نقض که خاستگاه‌های توسعه بلندمدت اروپا را تشکیل داده‌اند،<sup>۱۴</sup> رویه‌های یک سکه‌اند. ماهیت مقتدر و خودمختار طبقات اجتماعی و تکیه دولت به آن‌ها، ضامن تداوم سنت‌ها و استمرار قوانین از سوی دولت‌ها و محقق گردیدن این قوانین از جانب آن‌ها مایه حفظ طبقات بوده است. در الگوی حکومت ایرانی و نظریه شاهی آرمانی، شاه تنها در برابر خدا مسئول است. نویسنده در بخشی از تحلیل‌های خود به نظریه حق الهی پادشاه می‌پردازد. طبقه حکومتگر طبقه‌ای در کنار سایر طبقات اجتماعی و در رأس آن‌ها نیست. حاکم در این الگو مافوق جامعه قرار گرفته.<sup>۱۵</sup> کاتوزیان جامعه ایران را در مجموع جامعه‌ای پیش از قانون و پیش از سیاست ارزیابی می‌کند<sup>۱۶</sup> و ریشه‌های شکل‌گیری چنین ساختاری را در عامل کم‌آبی، ناچیزی مازاد تولید، پراکندگی جوامع و عدم ارتباط آن‌ها با یکدیگر، اهمیت حضور نیروی نظامی متحرک و نهایتاً تبدیل آن به دولت مرکزی مقتدر عنوان می‌کند. آنچه که در فوق آمد طرحی خلاصه از نظریه استبداد ایرانی دکتر کاتوزیان بود که در چهار فصل نخستین کتاب به تفصیل بدان پرداخته است. در فصل‌های پنجم تا هشتم، نظریه شرح داده شده در فصول پیشین، را در تبیین تحولات و رخداد‌های تاریخ ایران از مشروطه تا دوره پهلوی به کار می‌گیرد. عناوین مقالات این فصول عبارتند از «آزادی و لجام گسیختگی در انقلاب مشروطیت»، «مسائل دموکراسی و حوزه‌های همگانی در ایران نو»، «در تعصب و خامی و تجلی آن در جامعه کلنگی» و «رژیم پهلوی در ایران چونان یک رژیم سلطانی». عناوین مقالات به خوبی گویای محتوا و موضوعات آن‌ها هستند. نویسنده در این فصل‌ها با تأکید بر نظریه پیش‌گفته به دنبال پاسخ به این پرسش است که «چرا و چگونه تلاش‌های آگاهانه و مبارزات گسترده‌ای که از سده نوزدهم میلادی برای توسعه سیاسی کشور صورت گرفت – با وجود برخی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای که در برخی مقاطع حاصل شد – به ناکامی کشید»<sup>۱۷</sup> در سه فصل پایانی که به اعتقاد خود نویسنده «حاوی تجربی‌ترین مقالات»<sup>۱۸</sup> کتاب است، به برخی دیگر از رخداد‌های



**کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران»**  
**بسیار موجز و مختصر و به همان اندازه**  
**منسجم و روشمند است. نویسنده از بسیاری از**  
**حاشیه‌رویی‌ها و پرگویی‌ها پرهیز کرده و به اصل**  
**موضوع پرداخته است**

## کتاب‌ها - توسعه نیافتگی

تشدید و بازتولید می‌کرده‌اند، مانع عمده بر سر راه مشارکت و رقابت سیاسی در ایران در دوره تاریخی مورد بحث (پهلوی) را فراهم آورده است. کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» بسیار موجز و مختصر و به همان اندازه منسجم و روشمند است. نویسنده از بسیاری از حاشیه‌روی‌ها و پرگویی‌ها پرهیز کرده و به اصل موضوع پرداخته است. اهمیت کتاب و ویژگی آن، به، اختیار کردن یک نظریه مشخص در حوزه علوم سیاسی و تحلیل مطالب در چارچوب‌های آن نظریه است. چنان که خودش هم اذعان دارد کانون بحثش در بررسی موانع توسعه در ایران، نظریه‌ای سیاسی و در چارچوب ویژگی‌های ساختار قدرت سیاسی است. و واکاوی دیگر عوامل مؤثر در پدیده توسعه نیافتگی (سیاسی) را به دیگران وامی‌گذارد. کتاب بیشتر به ارائه طرح و نظریه‌ای کلی در این زمینه شباهت دارد و بسط و بحث در هر یک از عناوین و سر فصل‌های آن، خود می‌تواند نکات جالب توجه و مباحث ارزنده‌ای را آشکار دارد.

### تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر

کتاب «تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر» تألیف دکتر موسی غنی‌نژاد و انتشار یافته توسط نشر مرکز است که برای اولین بار در سال ۱۳۷۷ و در ۳۰۰۰ نسخه منتشر گردید و تا سال ۱۳۸۶ دو مرتبه دیگر توسط همان ناشر تجدید چاپ شد. کتاب، همپای دیگر اثر مؤلف، «آزادی خواهی نافرجام: نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر» (البته این کتاب حاصل همکاری گروهی نویسنده با محمد طیبیان و حسین عباسی علی کمر است)، به دغدغه‌های مؤلف در زمینه چرایی ریشه ننداندن خردورزی دنیای مدرن در ایران می‌پردازد. این کتاب مشتمل است بر دو بخش و یک مقدمه و در ۱۹۸ صفحه طبع یافته است. این کتاب را مطابق دسته‌بندی فوق‌الذکر می‌توان از جمله آثاری به حساب آورد که پدیده عقب‌ماندگی یا توسعه نیافتگی را در واقعیت تاریخی آن، با هر ریشه و دلیلی، کم و بیش پذیرفته و به تحلیل علت‌ها و مشکلات دامنگیر روند اخذ دستاوردهای تمدن غرب، در دوره معاصر، منظور از نخستین برخوردها تا امروز، می‌پردازد. عنوان کتاب، خود، تا حدود زیادی گویای این مطلب است. نویسنده در دو بخش اصلی کتاب دو رویکرد مختلف در تشریح موانع توسعه در ایران در پیش می‌گیرد. بخش نخست بیشتر به تحلیل‌هایی در چارچوب رخدادهای تاریخی و مشخصاً تاریخ سیاسی می‌پردازد و توجه خود را در بخش دوم اغلب به تحلیل‌های اقتصادی معطوف می‌دارد و البته محور تحلیل‌ها در هر دو بخش

نظریه‌هایی که بر عوامل و شرایط لازم برای توسعه سیاسی تأکید گذاشته‌اند، معتقد است باید شرایط کافی برای تحقق توسعه سیاسی را مد نظر قرار داد. و بر این باور است که به عوامل کافی برای توسعه سیاسی تنها در نظریه‌ای سیاسی می‌توان دست یافت.<sup>۱۹</sup> بر اساس چنین نظریه‌ای سه مانع عمده در ساختار قدرت سیاسی ایران بر سر راه توسعه تشخیص می‌دهد. او سه شرط «سیاسی نزدیک و تعیین کننده مربوط به ساخت قدرت» را برمی‌شمارد که «موجب تسهیل یا ممانعت از توسعه سیاسی می‌گردند.»<sup>۲۰</sup> این سه شرط یا مانع (که عناوین فصول کتاب را نیز به خود اختصاص داده‌اند) چنانکه نویسنده می‌گوید عبارتند از:

۱- تمرکز منابع قدرت: نویسنده افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت را از عوامل کاهش رقابت و مشارکت سیاسی و بنابراین مانعی بر سر راه توسعه سیاسی به شمار می‌آورد. دکتر بشیریه در این زمینه معتقد است تلاش برای ایجاد و ساخت دولت مطلقه مدرن در جامعه مدنی ضعیف ایران، در دوران معاصر، صرف نظر از علت‌های موجود در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران پیش از قرن بیستم را باید یکی از موانع اساسی توسعه سیاسی به حساب آورد.<sup>۲۱</sup> نویسنده در این فصل مروری دارد بر روند تاریخی تمرکز و افزایش قدرت در ساخت دولت مدرن در ایران، از مشروطه به این سو. و راهکارها و ابزارهای تحقق این تمرکز را بررسی می‌کند.

۲- چندپارگی‌های جامعه: مؤلف وجود هر نوع شکاف ترمیم‌ناپذیر در جامعه را از عوامل عدم تحقق توسعه سیاسی برمی‌شمارد. در این زمینه عمده‌ترین مسأله‌ای که بر آن دست می‌نهد، تعارضی است که به دنبال ورود اندیشه‌های نوین غربی و رویارویی با تمدن جدید غرب رخ نمود. تعارض میان آنچه که اصطلاحاً سنت و مدرنیسم نامیده می‌شود. و جدال میان نمایندگان این دو طیف. تماس ایرانیان با غرب به تشکیل دو خرده‌فرهنگ انجامید. خرده‌فرهنگ مدرن‌گرا و در واکنش به آن خرده‌فرهنگ اسلامی. که تضاد و تعارض میان این دو، به اعتقاد نویسنده کتاب، منشأ منازعات عمده فرهنگی و سیاسی در جامعه ایران بوده است.

۳- ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم: مؤلف تداوم فرهنگ سیاسی پاتریمونیال سنتی و رابطه آمرانه و از بالا به پایین را که در نتیجه عواملی چند از قبیل گسست جامعه سنتی و پیدایش جامعه توده‌ای جدید و به تبع آن ضعف همبستگی اجتماعی تجدید و تقویت شده است، از مؤلفه‌های مؤثر در ممانعت از تحقق توسعه سیاسی در ایران بر می‌شمارد. در نهایت بر آن است که روابط متقابل میان سه عامل فوق که همدیگر را



پیگیری فرضیه خود در تمام مباحث و فصول کتاب است. کتاب از انسجامی مناسب و یکدست برخوردار بوده و فرضیه نویسنده در اصالت دادن به عامل اندیشه جمع‌گرایانه و عدم تلقی و تعریف درست از فرد و مقام و منزلت آن به‌مثابه اصل محوری بحث‌های کتاب عمل می‌کند و مباحث مختلف تاریخی و اقتصادی آن را به هم متصل می‌دارد. صرف‌نظر از انتقاداتی که ممکن است به فرضیه نویسنده وارد باشد، توانایی وی در مرتبط داشتن رخدادها و پدیده‌ها بر اساس فرضیه اصلی و یافتن نشانه‌ها و فاکت‌های قابل قبول تاریخی یا اقتصادی - اجتماعی در جهت اثبات دیدگاه‌های خود، کتاب را به پژوهشی قابل ملاحظه و درخور تبدیل کرده است. نویسنده در سراسر کتاب به خوبی در تلاش است تا فرضیه خود را به اثبات برساند و در این وادی به ورطه کلی‌گویی و تکرار فرضیه بدون ارائه ادله و فاکت‌های مشخص نمی‌افتد.

لازم به تذکر است نویسنده نظریه و روش استدلالی خود در کتاب حاضر را، کم و بیش، در اثر دیگرش «آزادی‌خواهی نافرجام: نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر» نیز پی گرفته است.

#### پی‌نوشت

- ۱ - طباطبایی، سید جواد؛ نظریه حکومت قانون در ایران: مبانی نظری مشروطه‌خواهی؛ تبریز، ستوده؛ ۱۳۸۶، ص ۷۷.
- ۲ - همان، ص ۹۳.
- ۳ - همان، ص ۳۷۴.
- ۴ - همان، صص ۵۶۷-۵۶۸.
- ۵ - همان، ص ۵۸۶.
- ۶ - همان، ص ۵۸۸.
- ۷ - همان، ص ۵۸۹.
- ۸ - آبادیان، حسین؛ مفاهیم قدیم و اندیشه جدید (درآمدی نظری بر مشروطه ایران)؛ تهران: کویر؛ ۱۳۸۸، ص ۳۱.
- ۹ - همان، ص ۳۲.
- ۱۰ - همان، ص ۳۲.
- ۱۱ - همان، ص ۳۷۰.
- ۱۲ - همان، ص ۲۹.
- ۱۳ - همایون کاتوزیان، محمدعلی؛ تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران؛ تهران: نشر نی؛ ۱۳۸۵؛ ص ۵۳.
- ۱۴ - همان، ص.
- ۱۵ - همان، ص ۷۴.
- ۱۶ - همان، ص ۷۵.
- ۱۷ - همان، ص ۱۷.
- ۱۸ - همان، ص ۱۷.
- ۱۹ - بشیریه، حسین؛ موانع توسعه سیاسی در ایران؛ تهران: گام نو؛ ۱۳۸۴؛ ص ۱۷۰.
- ۲۰ - همان؛ ص ۲۱.
- ۲۱ - همان، ص ۳۷.
- ۲۲ - غنی‌نژاد، موسی؛ تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر؛ تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۸۶؛ ص ۷.
- ۲۳ - همان، ص ۱۰۰.

کتاب را، نظریه نویسنده مبنی بر تسلط ارزش‌های جمع‌گرایانه قبیله‌ای تشکیل می‌دهد. در بخش نخست نویسنده چنان که خود می‌گوید «چشم‌انداز کلی تحول در اندیشه ترقی‌خواهی و تجددطلبی یا به قول امروزی‌ها توسعه سیاسی و اقتصادی را از انقلاب مشروطیت تا به امروز ترسیم می‌کند»<sup>۱۲</sup>. نویسنده در این بخش که در قالب چهار فصل فرعی با عناوین «پیشرفت و تمدن از دید تجددخواهان اولیه»، «تجددطلبی اقتدارگرایانه به عنوان چاره عقب‌ماندگی»، «تجددگرایی وارونه، رجعت به گذشته تحت اشکال جدید» و «ایدئولوژی توسعه به عنوان مانع توسعه» سامان یافته، انگشت اتهام در ناکامی ایرانیان در پروسه پیشرفت یا تجدید یا مدرنیسم را به سوی پیشگامان و بانیان و عاملان این، شاید بتوان گفت، فرآیند نشانه می‌گیرد و بر آن است که اخذ موردی و دلخواهی پاره‌ای دستاوردهای تمدن غرب، در فقدان نگاه جامع و همه‌سویه به ابعاد گوناگون این تمدن به‌مثابه کلی واحد و تفکیک‌ناپذیر از بنیان‌های نظری، را باید پایه اصلی ناکامی ایرانیان در روند مواجهه با غرب دانست. به اعتقاد نویسنده تسلط تفکر سنتی جمع‌گرایانه، مانع توجه به اساسی‌ترین اصل بنیادی اندیشه مدرن، یعنی مفهوم و منزلت فرد، گشته است. نویسنده گناه اصلی شکست نهضت مشروطه را متوجه این عامل می‌داند. به اعتقاد مؤلف این تفکر جمع‌گرایانه و این قسم ارزش‌های سنتی - قبیله‌ای همواره و در دوره‌های گوناگون حیات جریان اصلاح‌خواهی و روشنفکری ایران تداوم یافته، این حرکت‌ها را از مفهوم و محتوای مطلوب و موردنظر آن تهی نموده است. بر این اساس، نویسنده، وحدت ملی ایجاد شده توسط رضا شاه را بیشتر نوعی میهن‌پرستی سنتی ارزیابی می‌کند تا یک ناسیونالیسم مدرن. نویسنده البته دستاوردهای عملی و عینی اصلاحات نظامی و اداری رضاشاه را نادیده نمی‌گیرد، اما معتقد است در فقدان تحول فکری و ارزشی این تغییرات از ظواهر فراتر نرفت و این، مشکلی است که به اعتقاد او، تا انتها با تجددطلبی و مشخصاً روشنفکری ایرانی باقی ماند. نویسنده در ادامه، نشانه‌های اثبات نظریه خود مبنی بر تسلط ارزش‌های سنتی - قبیله‌ای جمع‌گرایانه را در رخدادها و برجسته تاریخی بعدی ایران از قبیل ملی شدن صنعت نفت و عملکرد دکتر مصدق پی می‌گیرد و در نهایت به فقدان تعریف و تضمین حقوق مالکیت فردی به‌مثابه یکی از موانع عمده پیش‌روی توسعه صنعتی ایران می‌پردازد. در بخش دوم تحت عنوان «درباره برخی مباحث مربوط به توسعه‌نیافتگی»، ابتدا و قبل از ورود به بحث اصلی، نقدی از نظریات رایج توسعه‌نیافتگی در ایران ارائه می‌دهد. رویکردهای موجود درباره علل توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران را به دو دسته دیدگاه‌های ناظر بر کمبود عوامل تولید مناسب و نظریات مبتنی بر نقش عوامل بازدارنده خارجی تقسیم کرده و هر دو این دو گروه تحلیل‌ها را رد می‌کند<sup>۱۳</sup>. سپس در ادامه علت‌هایی را که به مثابه موانع پیش‌روی توسعه صنعتی - اقتصادی ایران عمل می‌کنند، تکیه بر همان عامل تفکر جمع‌گرایانه و عدم درک درست از مفهوم و منزلت فرد، تحت عناوین «هزینه‌های معاملاتی و توسعه صنعتی»، «ملاحظاتی درباره مالکیت صنعتی در ایران»، «رابطه بین جمعیت و توسعه از دیدگاه تحلیل اقتصادی»، «تمرکز سرمایه از واقعیت تا توهم» و «شرکت‌های چند ملیتی و توسعه اقتصادی» بررسی می‌کند.

از نکات بسیار ارزشمند و قابل ملاحظه کتاب حاضر توانایی مؤلف در